

## تأثیر رقابت ژئوپلیتیک هند و چین بر چگونگی امنیت منطقه جنوب آسیا با تأکید بر مداخله‌گری امریکا<sup>۱</sup>

مرجان بدیعی ازنده‌ای\* - استادیار گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران  
بهادر زارعی - استادیار گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران  
معین برزگرزاده زرنندی - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۹

### چکیده

یکی از مناطق جغرافیایی جهان، که همواره آبستن تنش‌های ژئوپلیتیک بوده، منطقه جنوب آسیا است. در این منطقه ژئوپلیتیک حضور و تأثیرگذاری چین و هند، که همواره به دنبال گسترش نفوذ خود هستند، و همچنین توجه ویژه امریکا باعث شده است که دامنه رقابت‌های منطقه‌ای و جهانی هر روز ابعاد جدیدی یابد. در این پژوهش تلاش خواهد شد با روش تحقیق توصیفی - تحلیلی به بررسی این نکته پرداخته شود که ماهیت رقابت ژئوپلیتیک بین هند و چین در این منطقه جغرافیایی بر چه اساسی شکل گرفته است و فرایند مداخله‌گری امریکا چه تأثیری در معادلات قدرت در این بخش از جهان به جا گذاشته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در فرایند رقابت ژئوپلیتیک چین و هند پُررنگ‌شدن نقش اقتصاد در تحولات جهانی است؛ به طوری که هر دو کشور از اقتصاد هم به عنوان ابزاری برای بهبود وضعیت داخلی خود و هم به عنوان ابزاری در فرایند گسترش نفوذ خود در مناطق پیرامونی بهره جستند؛ به طوری که رقابت میان خود را از حوزه امنیتی به حوزه اقتصادی منتقل کرده‌اند. در این فرایند، ایالات متحده، با توجه به اشتراک منافع با هند، در تلاش است، با هدف مهار نفوذ چین در مناطق پیرامونی، مانع به‌ثمر رسیدن طرح‌های اقتصادی و ارتباطی چین در کشورهایمانند پاکستان، میانمار، و بنگلادش شود. این امر از یک طرف باعث افزایش هزینه‌های نفوذ چین و از طرف دیگر زمینه‌ساز افزایش قدرت رقابت هند گردیده است؛ به گونه‌ای که به نظر می‌رسد در کوتاه‌مدت هیچ یک از دو کشور هند و چین نتوانند به برتری مطلق ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک در برابر یکدیگر دست یابند.

واژگان کلیدی: جنوب آسیا، رقابت منطقه‌ای، ژئوپلیتیک چین و هند، مداخله‌گری.

۱. این پژوهش مستخرج از رساله دکتری با نام «تبیین امنیت منطقه‌ای در منطقه جنوب آسیا و ژئوپلیتیک جدید چین و هند» در دانشگاه تهران است.

## مقدمه

منطقه جنوب آسیا یکی از مناطق جغرافیایی جهان است که به سبب عوامل اقتصادی، راهبردی، سیاسی، و جمعیتی از اهمیت بسزایی در ساختار اقتصاد و سیاست جهانی برخوردار است. پس از جنگ جهانی دوم، نقش آفرینی فزاینده چین و هند و مداخله‌گری پیوسته آمریکا همواره نقش تعیین‌کننده‌ای در این منطقه ژئوپلیتیک داشته است و به نظر می‌رسد حداقل در کوتاه‌مدت این روند ادامه خواهد داشت و تأثیرگذاری آن بر سرنوشت کشورهای تشکیل‌دهنده این منطقه تداوم خواهد یافت. به صورت کلی، آن بخش از قاره آسیا در حوزه اقیانوس هند، که دربردارنده هشت کشور افغانستان، بنگلادش، بوتان، هندوستان، مالدیو، نپال، پاکستان، و سریلانکا است، به شکل‌گیری یک منطقه جغرافیایی با نام «جنوب آسیا» یاری رسانده است. این بخش از کره زمین در ابتدای سال ۲۰۲۱ میلادی جمعیتی بالغ بر دو میلیارد نفر را در خود جای داده است (وردمتریکس، ۲۰۲۰) که در ناحیه‌ای به وسعت ۵۱۳۴۶۴۱ کیلومتر مربع<sup>۱</sup> (برادناک و ویلیامز، ۲۰۱۴: ۶۷) پراکنده شده‌اند. بر اساس آمارهای ارائه‌شده از سوی نهادهای بین‌المللی، در این بخش از جهان، که حدود ۲۵ درصد از جمعیت کره زمین را به خود اختصاص داده است، تراکم جمعیت ۳۰۳ نفر است. بیش از ۷۳ درصد از جمعیت این منطقه در نواحی روستایی ساکن‌اند و میانگین سنی جمعیت آن حدود ۲۷٫۶ سال برآورد شده است (وردمتریکس، ۲۰۲۱). این منطقه جغرافیایی به سبب آنکه بیش از ۳۳۲۶ میلیارد دلار از تولید ناخالص داخلی جهان (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۲۰) را به خود اختصاص داده، به یکی از بازارهای جذاب برای اقتصاد جهانی تبدیل شده است. زیرا این جمعیت زیاد همراه با هرم سنی جوان باعث شده است از نظر ژئواکونومیک رقابت‌های گسترده‌ای برای کسب نفوذ در منطقه صورت گیرد (سیمینسکی، ۲۰۱۵: ۲۸). اهمیت چندبُعدی این منطقه به قدری گسترده است که دو کشور هند و چین پیوسته می‌کوشند با استفاده از همه ابزارها و فرصت‌های موجود در منطقه جنوب آسیا به برتری دست یابند. دامنه رقابت برای کسب نفوذ و گسترش آن در این منطقه به قدری شدید بوده که باعث شده است تقریباً همه ابزارها و عوامل مؤثر در برتری یک کشور توسط دو رقیب به کار گرفته شود. در این میان، با توجه به اهمیت زیاد اقتصاد در حوزه امنیت ملی، دو کشور تلاش می‌کنند بخش عمده رقابت خود را بر حوزه اقتصاد متمرکز کنند و از این رهگذر بتوانند در بلندمدت نسبت به رقیب منطقه‌ای خود از برتری برخوردار شوند. همین مسئله نیز در نهایت باعث افزایش توجه آمریکا به این منطقه شده است، زیرا حضور یکی از رقبای جهانی بالقوه این کشور، یعنی چین، در منطقه جنوب آسیا ظرفیت آن را به وجود می‌آورد که منافع ملی آمریکا در بلندمدت از سوی این قدرت آسیایی در حال خیزش مورد تهدید قرار گیرد. مجموعه این عوامل از نظر ژئوپلیتیک توجه طیف متنوعی از محققان و کارگزاران را به خود جلب کرده و آن را به موضوعی تبدیل می‌کند که شایسته مذاقه و مطالعه بیشتر است. بر این اساس، در این پژوهش تلاش خواهد شد با مدنظر قراردادن رقابت ژئوپلیتیک چین و هند در منطقه جنوب آسیا به صورت هم‌زمان به بررسی نقش مداخله‌گری آمریکا در رقابت ژئوپلیتیک میان هند و چین پرداخته شود.

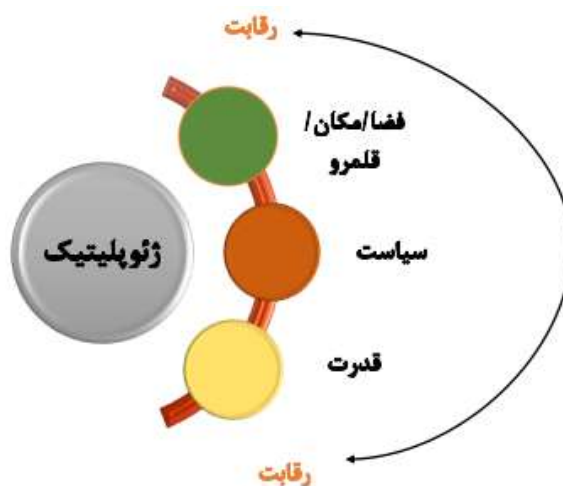
## چارچوب مفهومی و نظری تحقیق

### رقابت ژئوپلیتیک و چارچوب امنیت منطقه‌ای

سوتل بی کوهن (۲۰۰۹: ۱۵) بر این باور است که دانش ژئوپلیتیک برای نخستین بار به عنوان مجموعه‌ای از قوانین کلی جغرافیایی در زمینه امور حاکم بر سرنوشت کشورها در اواخر قرن نوزدهم میلادی معرفی شد و در ادامه به عنوان گفتمانی

۱. کل مساحت این منطقه ۶۴۰۰۱۲۷ کیلومتر مربع است (<http://www.worldmeters.info/world-population>)

واقع‌گرایانه به تکامل رسید. این تکامل طی پنج مرحله به‌وقوع پیوسته است که شامل رقابت برای کسب هژمونی امپریالیستی، پیدایش ژئوپلیتیک آلمانی، ظهور ژئوپلیتیک امریکایی، ژئوپلیتیک دولت‌محور دوران جنگ سرد در مقابل ژئوپلیتیک جهان‌گرایانه، و ژئوپلیتیک دوره پس از جنگ سرد می‌شود (کوهن، ۲۰۰۹: ۱۶). در مقابل، نظر فلینت (۲۰۱۱: ۱۶) بر این است که ژئوپلیتیک، به‌عنوان اندیشه و عمل، با پیدایش حکومت‌ها و حکومت‌های ملت‌پایه دارای پیوند اساسی است. در این نگرش، ژئوپلیتیک برای حکومت‌ها فرصت آن را به‌وجود می‌آورد تا به‌صورت پیوسته از عنصر جغرافیا برای رقابت با سایر کشورها بهره‌برداری نمایند (رشیدی و همکاران: ۲۰۲۱). شایان ذکر است که دانش ژئوپلیتیک بر رابطه قدرت سیاسی با فضای جغرافیایی (اعم از فضاها، بری و بحری) متمرکز است (فیدلیتی، ۲۰۱۵). همین مسئله باعث پُررنگ‌تر شدن جایگاه و اهمیت مفهوم مهم دیگری به نام «رقابت» می‌شود که در دانش جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک کارکرد ویژه‌ای دارد (شکل ۱).



شکل ۱. ژئوپلیتیک و رقابت  
منبع: نگارندگان

از نظر مفهومی، رقابت به معنای تلاش دو یا چند گروه، ملت، و کشور برای کسب نفوذ و اعمال سلطه در یک منطقه جغرافیایی خاص یا جهان است. این امر می‌تواند به‌منظور حفظ سلطه و اقتدار یا به‌چالش کشیدن قدرت سایر بازیگران به‌وقوع بپیوندد یا اینکه محصول تعارض منافع است که در نتیجه مسئله دسترسی به منابع فضایی (مادی و معنوی) به‌وجود آمده است (احمدی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۰۲). ممکن است حوزه و منشأ رقابت، سرزمین، ملی‌گرایی، کمبود منابع، تلاش برای دستیابی به قدرت یا فراهم کردن منافع اقتصادی باشد. این رقابت‌ها می‌توانند در هر دو بُعد منطقه‌ای و جهانی به پیدایش اتحادها و ائتلاف‌های مختلفی منجر شوند. شکل‌گیری این اتحادها از نظر جغرافیایی به‌سبب آن است که تعدادی از قدرت‌ها تلاش می‌کنند تا با همسان‌سازی راهبردهای ژئوپلیتیک خود در یک منطقه جغرافیایی سهم خود را در منافع اکتسابی نسبت به رقبای افزایش دهند و هم‌زمان از منابع تهدید فضایی (احمدی‌پور و رشیدی، ۱۳۹۹) و عوامل موجد ترس در حوزه ژئوپلیتیک خویش بکاهند (احمدی‌پور و رشیدی، ۱۳۹۷). در اینجا مفهوم دیگری به نام «منطقه» اهمیت می‌یابد.

برای ارائه تعریف مناسبی از مفهوم منطقه می‌توان طیف متنوعی از عوامل جغرافیایی، ژئوپلیتیک، سیاسی، و ... را به‌کار بست. از منظر واقع‌گرایی، منطقه به‌عنوان زیرمجموعه فضای جغرافیایی سطح کره زمین بخشی از آن است که

به لحاظ ساختاری یا کارکردی از تجانس و یگانگی برخوردار است و بر پایه خصیصه‌های ساختاری یا کارکردی از مناطق همجوار خود متمایز می‌شود. منطقه می‌تواند خشکی پایه، آب پایه، یا تلفیقی باشد و از مقیاس‌های کوچک نظیر دریاچه یا شبه‌جزیره تا مقیاس‌های بزرگ نظیر اقیانوس یا قاره را دربر گیرد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۹: ۱).

مسئله رقابت باعث مطرح‌شدن یک عامل مهم و تأثیرگذار در شکل‌گیری رقابت‌ها به نام «امنیت» می‌شود که یک عنصر شاخص و اساسی در مباحث رقابت‌های منطقه‌ای و جهانی است و از آن با عنوان امنیت منطقه‌ای<sup>۱</sup> یاد می‌شود. از دیدگاه گفتمان ژئوپلیتیک و نگرش جغرافیایی به مسئله امنیت، طیف متنوعی از عوامل، متغیرها، و زمینه‌های جغرافیایی به شکل‌گیری امنیت منطقه‌ای یاری می‌رسانند. در چند دهه اخیر نگرش‌های غالب نسبت به مفهوم امنیت و به خصوص امنیت منطقه‌ای دستخوش تحولات شگرفی شد. به طوری که موضوعات جدید و در عین حال مجادله‌برانگیزی نظیر اقتصاد و منابع آبی و انرژی در تحلیل ابعاد و ساختارهای امنیت منطقه‌ای وارد شدند و ابعاد جدیدی به این بحث مهم افزودند (روچیلد، ۱۹۹۵؛ اسمیت، ۲۰۰۶؛ کرشنر و اسپرلینگ، ۲۰۱۸). مکاتب و رویکردهای متنوعی درباره امنیت منطقه‌ای به بحث درباره این موضوع پرداخته‌اند که هر کدام از چشم‌انداز خاص خود می‌کوشند به بررسی موضوع امنیت بپردازند.

### امنیت در چارچوب رویکردهای واقع‌گرایی و لیبرالیسم

یکی از رویکردهای پُرطرفدار در تحلیل مباحث مرتبط با امنیت در بُعد منطقه‌ای رویکرد واقع‌گرایی است. در چارچوب پارادایم واقع‌گرایی، امنیت چه در بُعد سیاسی چه در بُعد نظامی در قالب فراهم‌بودن شرایط برای حفاظت از مرزهای سرزمینی و صیانت از تمامیت ارضی و ارزش‌های یک کشور در مقابل خطرهای نشئت‌گرفته از محیط بین‌المللی و کشورها و گروه‌های متخاصم تعریف می‌شود (دهشیری و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۷). در رویکرد واقع‌گرایی، نگرش سخت به مفهوم امنیت و به طبع آن مسئله کارکردهای نظامی امنیت به شدت مورد تأکید قرار دارد (اولمان، ۱۹۸۳: ۱۳۰) و به این ترتیب ادراک امنیت معطوف به تهدیداتی است که از سوی رقبا و دشمنان یا متحدان منطقه‌ای آن‌ها احساس می‌شود (اولمان، ۱۹۸۳: ۱۳۰). رویکرد دیگر درباره امنیت منطقه‌ای رویکرد لیبرال است. در رویکرد لیبرال یکی از عوامل تعیین‌کننده در ایجاد تغییر در امنیت منطقه‌ای موضوع منافع اقتصادی است که زمینه‌ساز ایجاد رقابت‌پذیری در سطوح ملی و تأمین منافع ملی کشورها در بُعد منطقه‌ای می‌شود (شولوپین و ویگل، ۲۰۱۸). هرچندکه مسئله عمده برای واقع‌گرایان امنیت ملی است، نگرش لیبرال به امنیت ابعاد جدیدی بخشیده است که در آن تأکید زیادی بر مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی، و رفاهی می‌شود و صلح را بنیاد مطالعات امنیتی خویش قرار می‌دهد و به این نکته اشاره دارد که پیروزی نمی‌تواند همواره به امنیت منتج شود، زیرا همیشه امکان آن وجود دارد که طرف‌های بازنده به دنبال به‌چالش کشیدن طرف‌های پیروز منازعه باشند (دهشیری و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۸). به عبارت دیگر، در این رویکرد، امنیت منطقه‌ای در چارچوب منطقه‌گرایی و همکاری منطقه‌ای به وجود می‌آید که فراهم‌کننده منافع همه طرف‌ها در حوزه‌های مرتبط نظیر تجارت، تعامل به جهان، و تأمین منابع غذایی و انرژی است.

در مکتب کپنهاگ، که یکی از اندیشمندان شاخص آن بری بوزان است، تعریف و کارکرد امنیت رابطه معنی‌داری با مفهوم منطقه دارد. در این زمینه بوزان و ویور بر این باورند که تنها فهم عملکرد واحدهای مجزا نمی‌تواند به ادراک امنیت منجر شود، بلکه ضرورت دارد به یاری فهم پویای امنیت منطقه‌ای مسئله ادراک موسع از امنیت را فراهم کرد. زیرا درهم‌تنیدگی مسائل امنیتی کشورهای مختلف باعث می‌شود که تحلیل منفرد امنیت هر یک از کشورها ممکن

نباشد. از نظر بوزان و ویور، منظمه قدرت تابعی از مناطق محسوب می‌شود. بنابراین، از نظر آن‌ها نقش مناطق و اهمیت ژئوپلیتیک آن در منظمه قدرت جهانی اهمیت بسزایی دارد. بری بوزان بر این باور است که مسئله پایان جنگ سرد، که آغازی بر بی‌ثباتی در سیاست جهان بود، و همچنین تغییر محیط سیاسی بین‌الملل در اثر حادثه ۱۱ سپتامبر نشان داد رویکرد واقع‌گرایانه به امنیت منطقه‌ای دارای محدودیت‌های مختلفی است و ضرورت دارد برای فهم مناسب از سرشت و سرنوشت امنیت به ساختار منطقه و ویژگی‌های کشورهای که در منطقه‌ای خاص قرار دارند و از معضلات امنیتی مشابهی برخوردارند توجه کرد (بوزان و ویور، ۱۳۸۳).

برخی جغرافی‌دانان سیاسی، مانند تیلور، بر آن‌اند که جغرافیای جهان معاصر زیر نفوذ دو گرایش اقتصادی ویژه و مهم است. از یک طرف، جهان به سرعت در حال حرکت به سوی همگرایی اقتصادی است؛ مراکز مالی بین‌المللی بخش کوچکی از این همگرایی‌اند و توسعه شبکه شهرهای جهانی نمود جغرافیایی آن است؛ از طرف دیگر، جهان به شدت در حال قطبی‌شدن - از نظر اقتصادی - و گسترش شکاف درآمدی میان هر دو کشورهای ثروتمند و طبقه مرفه و کشورهای فقیر و طبقات غیربرخوردار است (ذکی و گلفشان، ۱۳۹۴: ۶۵). این موضوع زمینه‌ساز اهمیت یافتن مفهوم دیگری به نام ژئوپلیتیک دسترسی در مطالعات ژئوپلیتیک و امنیت شده است. ژئوپلیتیک دسترسی از وضعیت جغرافیایی و استراتژیک منطقه اوراسیا در تحولات پس از فروپاشی شوروی پیشین اخذ شده است (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۱۳) و امروزه در تبیین و تشریح ضرورت‌هایی که کشورها برای دسترسی به جهان پیرامون و منابع اقتصادی دارند کارکردهای عمده‌ای یافته است و کمک می‌کند تا دریابیم رقابت ژئوپلیتیک در یک منطقه چگونه در مسئله ایجاد توازن قوا یاری می‌رساند. در این راستا، هنگامی که در یک منطقه میان بازیگران توازن نسبی قدرت وجود داشته است کشوری که در سنجش قدرت برتری دارد به‌ظاهر می‌تواند بر دیگران برتری پیدا کند (واسکوئز، ۱۹۹۳: ۵۵۳). اما وجود برتری در یک منطقه باعث می‌شود که کشورهای دیگر برای ایجاد توازن قوا به سمت انعقاد پیمان‌های مختلف حرکت کنند (تامپسون، ۱۹۹۵: ۲۰۵). این امر نه تنها باعث تشدید رقابت در یک منطقه می‌شود، بلکه باعث می‌شود کشورهای مختلف، برای کسب برتری خود، ابزارهای جدیدی برای حفظ، تثبیت، و ارتقای موقعیت خود به کار گیرند. این امر در نهایت می‌تواند زمینه را برای نقش‌آفرینی بازیگرانی فراهم کند که هرچند در یک منطقه از نظر جغرافیایی حضور ندارند، به سبب تأمین منافع ملی خود ضروری می‌دانند که از یک طرف رقابت‌ها در برابر دیگری حمایت کنند.

به باور جوزف نای (نقل در مشیرزاده و تیشه‌یار، ۱۳۹۰: ۱۶۶)، امروزه اهمیت اقتصاد شاید بیش از نیروی نظامی است. به عبارت دیگر، نقش رقابت‌های اقتصادی هم‌سنگ با رقابت‌های نظامی است و به سبب آنکه پیدایش سلاح هسته‌ای احتمال وقوع جنگ‌های تمام‌عیار را کاهش داده است، می‌توان انتظار داشت که دامنه رقابت میان کشورهای مختلف از حوزه نظامی به حوزه اقتصادی و فناوری منتقل شود. در دنیای معاصر، رقابت بر سر کسب سهم بیشتری از اقتصاد و بازارهای جهانی به قدری اهمیت یافته است که به‌ندرت کشوری به مسئله فتوحات سرزمینی می‌اندیشد (برچیل، ۲۰۰۰: ۹۲). در مقابل، کشورهای مختلف کوشش می‌کنند بر موضوع امنیت اقتصادی تأکید ویژه‌ای کنند و با فراهم کردن این نوع از امنیت، که در مکتب کپنهاگ از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است، سطح بالاتری از منافع ملی را حمایت کنند و به اهداف عالی‌تری نیز دست یابند. در اینجا باید به این نکته اشاره کرد که در رویکردهای مبتنی بر فراهم‌آوردن امنیت اقتصادی تأکید کمتری بر بهره‌گیری از نیروی نظامی دیده می‌شود و به جای امنیت، دستیابی به رفاه و توسعه اقتصادی است که نگرانی عمده حکومت‌ها را تشکیل می‌دهد. بخشی از اهمیت موضوع اقتصاد در جهان کنونی را باید به تغییر رویکردهایی نسبت داد که در پایان جنگ سرد به وقوع پیوستند. در نتیجه این تحول در رویکردها، مسئله امنیت از موضوع امنیت نظامی به جنبه‌های غیرنظامی در امنیت بین‌الملل معطوف شد. در این راستا به مسائل زیست‌محیطی،

اجتماعی، قومی، نژادی، مذهبی، و زبانی و جز این‌ها عنایت شده است (قوام، ۱۳۹۲: ۴۲۰). این مسائل نشان‌دهنده آن است که بر اساس رویکردهای مکتب واقع‌گرایی در مطالعه امنیت و رقابت‌های ژئوپلیتیک باید توجه ویژه‌ای به مسئله اقتصاد و تأثیر آن در رقابت‌های ژئوپلیتیک داشت.

## روش تحقیق

از آنجا که ماهیت و موضوع این پژوهش از نوع کاربردی است، نویسندگان را بر آن داشته است تا از رویکرد تحلیلی-توصیفی برای مطالعه بهره‌برداری کنند. در این چارچوب، اطلاعات و داده‌های موردنیاز تحقیق از منابع کتابخانه‌ای و سایت‌های معتبر علمی تهیه شده و همچنین از نرم‌افزار word برای ترسیم شکل مفهومی استفاده شده است.

## یافته‌های تحقیق

### منطقه جنوب آسیا و رقابت ژئوپلیتیک چین و هند

سوئل بی کوهن (۱۳۸۷) در بحثی که درباره مناطق ژئوپلیتیک جهان در نظریه نظام‌های جهانی<sup>۱</sup> ارائه داد، منطقه جنوب آسیا را یک منطقه ژئوپلیتیک مستقل در نظر گرفت که نه تنها کانون رقابت سه قدرت بزرگ جهانی (امریکا، شوروی، و چین) در دوره جنگ سرد بود، بلکه از توانایی آن هم برخوردار بود که بتواند به‌عنوان یک حوزه مستقل به تأثیرگذاری در سیاست جهانی بپردازد (۱۳۸۷). رخدادهای پس از جنگ سرد نشان داد دیدگاه کوهن درباره منطقه جنوب آسیا به نسبت درست بوده است. با خیزش قدرت هند در سطح یک قدرت بزرگ آسیایی که به دنبال کسب نفوذ جهانی است و تبدیل چین از یک قدرت نظامی به یک قدرت اقتصادی بزرگ جهانی، منطقه جنوب آسیا بیش از پیش در کانون توجه سیاست جهانی قرار گرفت. برای اهمیت یافتن این منطقه، دلایل مختلفی ذکر شده است. اما با در نظر گرفتن نظریه کوهن می‌توان بر این دلیل بیش از دیگر دلایل تأکید داشت: ۱. پیشرفت چین: از لحاظ اقتصادی، نظامی، و همچنین تلاش آن برای افزایش تأثیرات دیپلماتیک و تجاری خود در منطقه اوراسیا؛ ۲. پیشرفت هند: و تلاش این کشور برای همکاری با مناطق جنوب و جنوب شرق آسیا (و اوراسیا) (شورای روابط خارجه، ۲۰۱۶). رشد اقتصادی و توسعه روزافزون کشورهای هند و چین برای تداوم خود نیازمند دست‌یابی به منابع مختلفی است که بخش مهمی از آن‌ها از خارج برای این کشورها تأمین می‌شود. همین مسئله باعث شده است که چین و هند یکدیگر را در قامت رقبای بالفعل منطقه‌ای در نظر بگیرند و دامنه رقابت خود را به فراتر از مرزهای جغرافیایی خود گسترش دهند و سایر کشورهای حاضر در منطقه جنوب آسیا را نیز از این رقابت‌ها متأثر سازند (جاولی، ۲۰۱۶: ۸۹). زیبگینیو برژینسکی (۱۳۸۶: ۱۴۲) با در نظر گرفتن رقابت روزافزونی که در منطقه آسیا بین هند و چین به وجود آمده بر این باور بود که افزایش قدرت تعدادی از کشورهای آسیایی عامل مهمی در افزایش تهدید علیه ثبات منطقه‌ای در جنوب آسیاست، زیرا، برخلاف بسیاری از مناطق دیگر، سازوکار امنیتی متناسب با ویژگی‌های منطقه‌ای در جنوب آسیا وجود ندارد. رقابت‌های متعددی که میان چین و هند و سایر بازیگران منطقه جنوب آسیا وجود دارد باعث شده است که هر کدام از این بازیگران در سطح منطقه‌ای به یارگیری اقدام و تلاش کنند تا با نزدیک شدن به دیگر بازیگران مانع موفقیت ژئوپلیتیک رقیب بر این منطقه شوند. چنان‌که چین برای کسب برتری ژئوپلیتیکی در رقابت با هند به دنبال آن است تا با گسترش همکاری‌های اقتصادی، سیاسی، و نظامی با پاکستان- که رقیب هند است- بر دامنه مزیت‌های ژئوپلیتیکی خود بیفزاید و سطح نفوذ و قدرت منطقه‌ای هند را در منطقه جنوب آسیا کاهش دهد (سازمند و ارغوانی پیرسلامی، ۱۳۹۱). این در حالی است که هند تلاش دارد با تأکید بر ریشه‌های تاریخی

خود در عدم پذیرش نفوذ قدرت‌های جهانی و عضویت در جنبش عدم تعهد به ایفای نقش در سیاست منطقه‌ای و جهانی بپردازد که منعکس‌کننده جایگاه مستقل هند در سیاست جهانی است. یکی از عواملی که باعث شده است هند خود را شایسته این جایگاه در سیاست جهانی بداند به سیاست خارجی این کشور بازمی‌گردد که همواره تلاش داشته در دوره جنگ سرد موضعی به نسبت مستقل در مقابل دو ابرقدرت آن زمان (شوروی و آمریکا) اتخاذ نماید و حتی این رویکرد را نیز در دوران رویارویی با دوره نظام تک‌قطبی پس از فروپاشی شوروی نیز ادامه داد. علاوه بر این، موقعیت جغرافیایی منحصربه‌فرد هند در منطقه جنوب آسیا همواره به این کشور امکان داده است، به‌رغم رقابت‌های منطقه‌ای، از مزیت ژئوپلیتیک خود به‌عنوان عاملی برای درپیش‌گرفتن سیاست‌های مستقل منطقه‌ای بهره‌جوید. همین مسئله سوئل کوهن (۱۹۹۴) را به این باور رسانده است که در سطح جهان فقط این منطقه جنوب آسیاست که هم قابلیت هم‌اراده کافی برای مبدل‌شدن به یک قدرت موازنه‌گر جهانی را داراست که بیش از هر چیز مرهون جایگاه و موقعیت هند است. با وجود این، نباید از یاد برد که موقعیت جغرافیایی هند هر چند برای این کشور مزیت‌های ژئوپلیتیکی مختلفی به همراه آورده، عامل ایجاد چالش‌های مختلف نیز بوده است (برزگرزاده زرنندی، ۱۳۹۴: ۸۹).

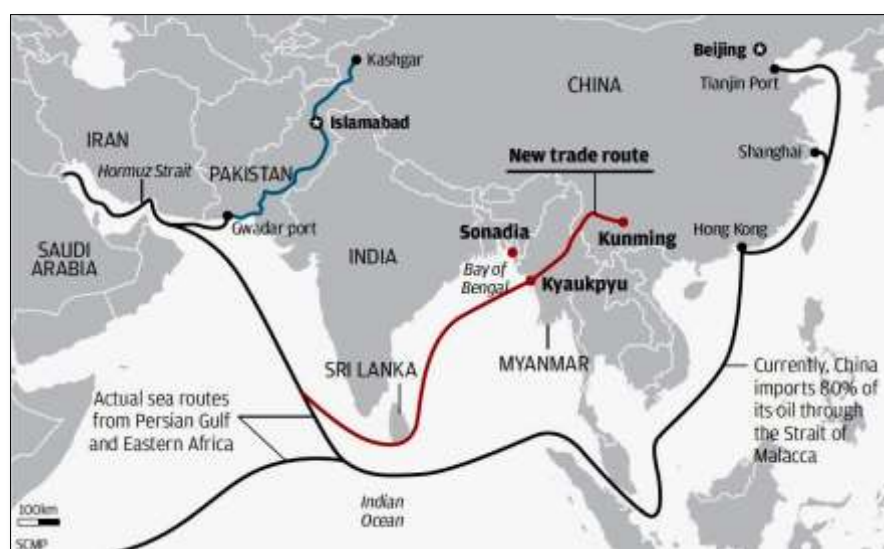
به صورت خاص، هند در منطقه جنوب آسیا با چالش‌هایی از سوی پاکستان و چین روبه‌روست. این کشور از کشمکش‌های سرزمینی با پاکستان رنج می‌برد و هم‌زمان در مرزهای شرقی خود نه‌تنها در حال رقابت با چین است، بلکه حتی در برهه‌ای از دهه ۱۹۶۰ میلادی تجربه جنگ با این کشور را نیز داشته است. این تعارضات ژئوپلیتیک، زمینه نزدیکی روزافزون چین و پاکستان را فراهم کرده و بر پیچیدگی رقابت‌های موجود در منطقه جنوب آسیا افزوده است. در این فرایند هرچند کشورهای چین و پاکستان در هماهنگی با یکدیگر در حال رقابت با هند هستند، قدرت و وزن ژئوپلیتیکی این کشور زمینه‌ساز ایجاد توازن در جنوب آسیا شده است. افزون بر این، رخداد ۱۱ سپتامبر، که موجب متحول‌شدن فضای سیاسی جهان در آغاز هزاره جدید میلادی شد، زمینه لازم برای نزدیکی دو کشور آمریکا و هند را فراهم آورد و به این ترتیب بر پیچیدگی‌ها و دامنه رقابت‌های ژئوپلیتیک در منطقه جنوب آسیا افزود (حسین‌پور پویان و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۷)، زیرا موقعیت جغرافیایی جنوب آسیا در کرانه‌های شمالی اقیانوس هند از اهمیت راهبردی بسزایی برخوردار است.

اقیانوس هند، با بیش از ۷۵ میلیون کیلومتر مربع وسعت، رتبه سوم را در بین اقیانوس‌های جهان دارد و نقش اساسی در رقابت قدرت‌ها بازی می‌کند (دهقان و کاظمی، ۱۳۹۰: ۴۸ ۴۶). برخی بر این باورند که این اقیانوس در هزاره جدید نقش فعال‌تری در سیاست جهانی ایفا خواهد کرد و نشانه‌های این امر را می‌توان از طریق توجه به رخداد‌های ژئوپلیتیکی که در محدوده اقیانوس هند به‌وقوع می‌پیوندد مشاهده کرد (سعادت و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۰۵۲). نقش ویژه این اقیانوس در فراهم‌کردن دسترسی به بازارهای بزرگ جهانی و گسترش ارتباطات بین‌المللی بر دامنه رقابت‌ها در منطقه پیرامون این اقیانوس افزوده است (سوواکول، ۱۳۹۱: ۲۵۸).

### تقابل علایق ژئوپلیتیک چین و هند

رویکرد سیاست خارجی هند نسبت به منطقه اقیانوس هند قابل توجه است. از نظر هند، این اقیانوس عمق استراتژیک این کشور محسوب می‌شود و هر گونه تلاش چین برای نفوذ در این پهنه آبی به‌مثابه یک تهدید نگریسته می‌شود. هند می‌کوشد با بهره‌گیری از مزیت‌های خود در دو سطح کلان و منطقه‌ای به ایجاد ائتلاف و موازنه در منطقه اقیانوس هند بپردازد و به این ترتیب سیاست مهار نفوذ چین در این منطقه از جهان را پیگیری کند. در سطح کلان، کشور هند می‌کوشد با گسترش مناسبات و روابط خود با ایالات متحده آمریکا و با ایجاد یک ائتلاف غیررسمی با این کشور، که از

نظر تلاش برای مهار نفوذ چین با هند هم‌نظر است، به ایجاد تعادل با قدرت دریایی در حال گسترش چین و نفوذ اقتصادی این کشور در منطقه اقیانوس هند و مناطق پیرامونی پردازد (برزگر و رضائی، ۱۳۹۶: ۶). یکی دیگر از اولویت‌های ژئوپلیتیک هند گسترش همکاری با کشورهای عضو آسه‌آن است. گسترش همکاری با این کشورها به هند اجازه می‌دهد به صورت مؤثری بر خطوط مواصلاتی واقع در اقیانوس هند نظارت داشته باشد و به این ترتیب در مقابل چین به برتری دست یابد و از مزیت موقعیت جغرافیایی خود به نحو مناسبی بهره‌برداری کند (نقشه ۱). از طرف دیگر، کشورهای عضو آسه‌آن، در قالب راهبرد گسترش تعامل شبکه‌ای در اقتصاد و سیاست جهانی، افزایش حضور هند در جنوب شرق آسیا را امری مثبت قلمداد می‌کنند که باعث گسترش موازنه قدرت در این منطقه از جهان می‌شود و از برتری مطلق چین در شرق آسیا جلوگیری می‌کند. علاوه بر این، نباید از یاد برد که هند به دنبال آن است تا با گسترش نفوذ خود از فلات ایران تا منطقه خلیج تایلند به قدرت برتر ژئوپلیتیک در شمال اقیانوس هند مبدل شود (همان: ۷). مسئله سرمایه‌گذاری هند در بندر چابهار در این چارچوب قابل تحلیل است (همان).



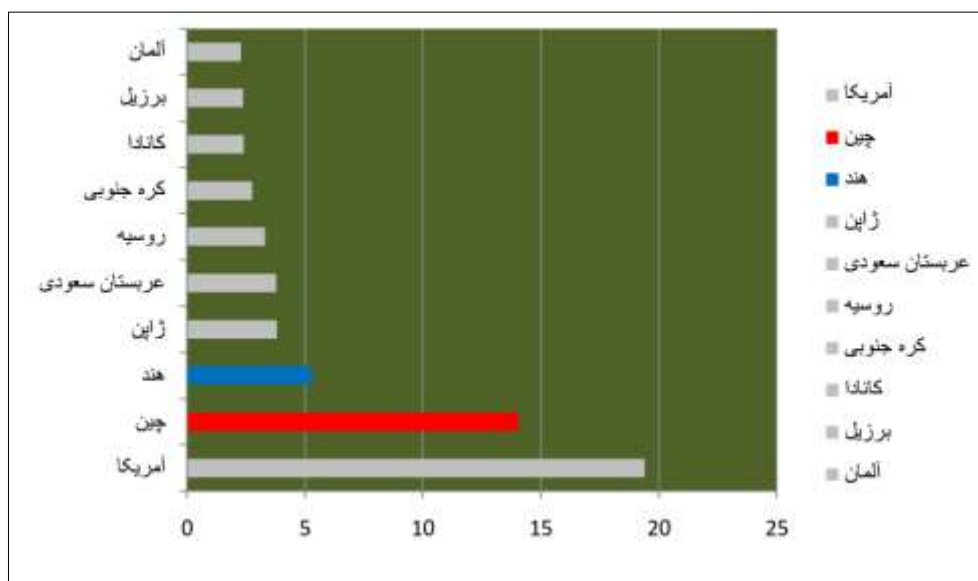
نقشه ۱. مسیرهای عمده ارتباطی چین در شمال اقیانوس هند و مسیر ارتباطی دریایی - زمینی گوادر - کاشغر  
منبع: اورینتال ری ویو، ۲۰۲۰

همچنین، رویکرد سیاست خارجی چین نسبت به منطقه اقیانوس هند قابل توجه است. رویکرد چین نسبت به منطقه اقیانوس هند بر دو اصل اساسی مبتنی است که باعث می‌شود تمایز راهبردهای میان چین و هند بهتر درک شود: نخست اینکه چین به دنبال آن است تا با استفاده از فرصت‌سازی برای خود مانع تمرکز تلاش‌های امریکا و هند برای محدودسازی چین در حلقه داخلی آسیا شود. اصل دوم سیاست خارجی چین بر این استوار است که این کشور باید بستر و زیرساخت‌های مناسبی برای کسب نفوذ اقتصادی - سیاسی در منطقه اقیانوس هند به وجود بیاورد تا به این ترتیب بتواند در بلندمدت به پیگیری اهداف خود برای حفظ رشد و توسعه اقتصادی پردازد و دسترسی امن چین به منابع انرژی جهان، مواد خام، و بازارهای جهانی تضمین شود. بنابراین، می‌توان گفت تلاش چین برای گسترش بازارهای خود در آسیای مرکزی و اروپا موجب شده است اقیانوس هند در آینده‌ای نزدیک نقشی حیاتی در سرنوشت چین بازی کند و این کشور به یکی از بازیگران محوری و فعال در اقیانوس هند تبدیل شود (سعادت و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۰۵۳).



چین برای ایفای نقش فعالانه در منطقه جنوب آسیا تلاش کرده است با گسترش روابط خود با کشورهای مختلف این منطقه، به صورت هم‌زمان، هم بر تعداد متحدان و شرکای منطقه‌ای خود بیفزاید هم از موقعیت جغرافیایی بازیگران منطقه‌ای دیگر به نفع خود بهره‌برداری کند، زیرا این کشور در زمینه دسترسی به آب‌های اقیانوس هند و ارتباط با آفریقا، خاورمیانه، و اروپا تا حد زیادی نسبت به هند در موضع فرودست قرار دارد و همین امر باعث اهمیت یافتن کشورهای نظیر میانمار، بنگلادش، و پاکستان در راهبرد توسعه ارتباطات جهانی چین می‌شود. تلاش روزافزون چین برای احیای جاده ابریشم زیر عنوان «کمربند جاده ابریشم» در این راستا قابل تفسیر است. مسئله قلمروخواهی چین در این مناطق پیرامونی باعث حساسیت هند شده و این کشور را تشویق کرده با اتخاذ سیاست‌هایی متناسب با تهدید چین در مسیر مقابله با این تهدیدها گام بردارد (رحیمی، ۱۳۹۵: ۴۸۰).

انرژی موضوع دیگری است که در رقابت ژئوپلیتیک چین و هند در منطقه جنوب آسیا تأثیر بسزایی دارد. هر دو کشور به واردات انرژی فسیلی وابسته‌اند و در حال حاضر به ترتیب دومین و سومین واردکننده بزرگ نفت‌اند. پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد در بیست سال آینده منطقه جنوب آسیا در تقاضای انرژی شاهد رشد ۳۳ درصدی خواهد بود (نپال و پایجا، ۲۰۱۹: ۷۲۱). آنچه در رقابت ژئوپلیتیک چین و هند باعث اهمیت یافتن انرژی شده است دو مسئله نیاز روزافزون به واردات و نگرانی در زمینه تأمین امنیت ترانزیت انرژی است (یوان و همکاران، ۲۰۲۰).



نمودار ۱. ده کشور بزرگ مصرف‌کننده نفت در سال ۲۰۱۹ میلادی

منبع: آژانس بین‌المللی انرژی، ۲۰۱۹

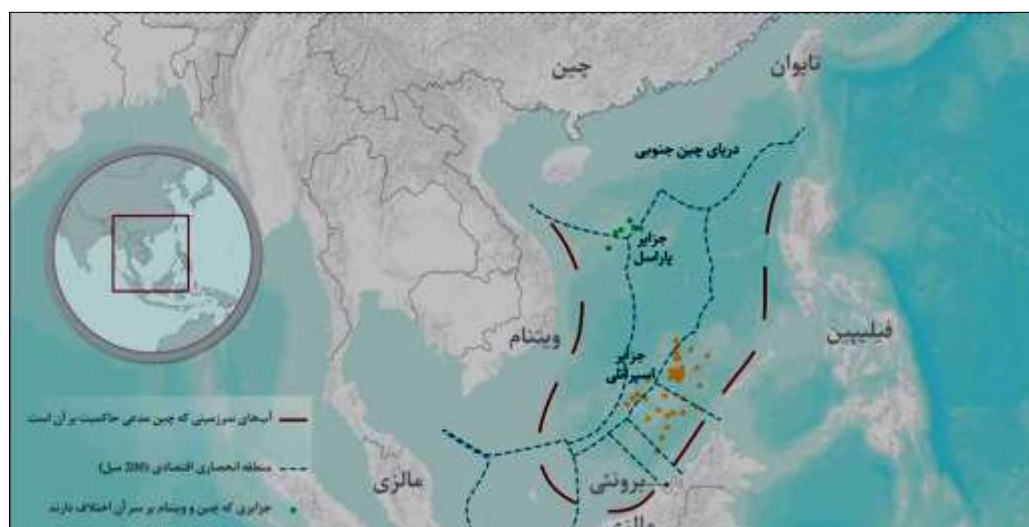
\* ارقام به میلیون بشکه در روز

این دو کشور برای واردات انرژی به مسیرهای امن از سه مبدأ عمده آفریقا، خاورمیانه، و آمریکا وابسته‌اند. این امر در کنار محدودیت‌های دسترسی به انرژی موجب شده است که طرح‌های استراتژیک متعددی نظیر خط لوله صلح و تاپی یا سرمایه‌گذاری در بنادر ایران و پاکستان برای تسهیل حمل و نقل کالا و انرژی مورد توجه هند و چین قرار گیرد. این امر در نهایت زمینه آن را فراهم کرده است که هر دو کشور برای پاسخ‌گویی به نیاز انرژی خود ۱. استفاده حداکثری از منابع انرژی داخلی کشور، ۲. تبادل انرژی با کشورهای همسایه، و ۳. سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های کشورهای پیرامونی را در

دستور کار خود قرار دهند تا مانع تفوق دیگر رقیب منطقه‌ای بر خود شوند. زیرا باید به‌خاطر داشت، علاوه بر رقابت در زمینه انرژی، در منطقه جنوب آسیا طیف متنوعی از کشمکش‌های سرزمینی، رقابت‌های ژئوپلیتیک، و تنش در زمینه کارکرد مرز وجود دارد (پیردشتی و کمری، ۱۳۹۵؛ درایسدل و بلیک، ۱۳۷۰: ۱۷۱) که باعث پیچیده‌شدن ماهیت رقابت ژئوپلیتیک میان چین و هند می‌شود. یکی از نگرانی‌های چین مسئله توسعه نیافتگی مناطق غربی کشور است که در معرض گسترش اسلام‌گرایی و جدایی‌طلبی‌اند (جاشوک و چان، ۲۰۰۹) و همین مسئله باعث موردتوجه قرارگرفتن راهبرد ادغام این نواحی در اقتصاد کشور به‌وسیله ایجاد کریدور بندر گوادر- سین کیانگ است که نه‌تنها تسهیل‌کننده توسعه و ارتباطات اقتصادی چین است، بلکه فرصت نظارت بر ماورای مرزهای غربی هند را فراهم خواهد کرد (دگونگ و هکاران، ۲۰۲۰). این مسئله موجب اهمیت ژئوپلیتیک دسترسی در سیاست خارجی هر دو کشور چین و هند است که باعث می‌شود با حضور چین در کرانه‌های شمال غربی اقیانوس هند و در کشورهایی مانند سریلانکا، پاکستان، و بنگلادش با کشور هند در اقیانوس هند به توازن قوا دست یابد.

### مداخله‌گری امریکا در امنیت منطقه جنوب آسیا

به نظر کنت والتس افزایش قدرت اقتصاد چین تمایل برای رشد نفوذ منطقه‌ای را برای این کشور به همراه داشته و این امر باعث شده است که امریکا خیزش چین را تهدیدی برای منافع، هژمونی، و متحدان منطقه‌ای خود قلمداد کند. تلاش چین برای سلطه بر دریای چین جنوبی یکی از بزرگ‌ترین تهدیداتی است که پیش روی منافع امریکا در جنوب آسیا قرار گرفته است (دهشیار و همکاران، ۱۳۹۱: ۶). به‌طوری‌که بخشی از راهبرد چین برای گسترش نفوذ به سمت اقیانوس هند است که از نظر راهبردی می‌تواند منافع امریکا در مناطق دریایی این منطقه و همچنین در کشورهایی نظیر فیلیپین، مالزی، و اندونزی را در معرض خطر قرار دهد (نقشه ۲).



نقشه ۲. دریای چین جنوبی  
منبع: نگارندگان

بخش دیگری از رقابت امریکا و چین به تلاش چین برای کسب نفوذ در منطقه دریای عرب و پاکستان مربوط می‌شود (زارعی و موسوی شهیدی، ۱۳۹۹: ۱۱۰۹) که باعث شده است سلطه سنتی امریکا در این بخش از جهان در کنار قدرت نفوذ هند مورد تهدید جدی قرار گیرد. گسترش قدرت و نفوذ چین باعث می‌شود که الگوی رفتاری قدرت‌های

منطقه‌ای و جهانی دستخوش تغییرات شود. در این شرایط تعامل میان چین و قدرت هژمون و نیز نحوه تأثیرگذاری این مؤلفه در سایر قدرت‌های موجود از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود. از این رو، در نظریه‌های موجود تأکید ویژه‌ای بر سمت و سوی روابط راهبردی میان دو کشور چین و امریکا شده است. از منظر جان جی ایکنبری، چین با برخورداری از جمعیت بالا، سلاح هسته‌ای، رشد اقتصادی بالای ۶ درصد، قدرت اقتصادی، دیپلماسی زیرکانه، و برخورداری از هویت تمدنی یک قدرت بزرگ جهانی در حال ظهور است که در کوتاه‌مدت به دنبال به‌چالش کشیدن نظم موجود نیست، بلکه تلاش دارد با صبری استراتژیک منتظر بماند تا روندهای اقتصاد جهانی به انتقال قدرت به این کشور یاری رسانند. بنابراین، تا آن زمان چین ترجیح می‌دهد از نظر راهبردی فقط به ایجاد نفوذ در مناطق پیرامونی خود و نقاط استراتژیک جهان بسنده کند تا بخشی از راهبرد ارتباطی خود را تأمین نماید و در آینده برای برتری بر هژمونی جهانی امریکا از آن استفاده کند (زارعی و موسوی شهیدی، ۱۳۹۹: ۱۱۰۹).

به باور برژینسکی (۱۳۹۱)، در نتیجه خیزش اقتصادی آسیا و قدرت گرفتن کشورهای هند و چین، کانون نظام بین‌الملل از حوزه آتلانتیک به منطقه آسیا-پاسیفیک منتقل خواهد شد. در این میان، موقعیت چین نسبت به هند برتر است و همین برتری در کنار پتانسیل این کشور برای تبدیل شدن به یک قدرت جهانی زمینه‌نگرانی‌های متعددی را برای امریکا فراهم آورده است. با وجود این، به نظر نمی‌رسد که چین در صدد مقابله نظامی با نفوذ امریکا در منطقه آسیا-پاسیفیک است؛ عاملی که باعث شده چین از رویارویی نظامی با امریکا پرهیز کند تبعات ویران‌کننده درگیری نظامی برای چین است. در نتیجه، چین ترجیح می‌دهد رقابت با امریکا را در حوزه‌هایی متمرکز کند که در آن مزیت نسبی دارد و برای اقتصاد و سیاست این کشور هزینه نداشته است. به عبارت دیگر، همکاری توأم با رقابت مهم‌ترین راهبرد تأمین‌کننده منافع ملی چین است (زارعی و موسوی شهیدی، ۱۳۹۹: ۱۱۰۹).

مسئله خیزش قدرت نظامی و اقتصادی چین دو کشور هند و امریکا را، که در منطقه جنوب آسیا و اقیانوس هند دارای منافع مشترکی‌اند، به همکاری راهبردی با یکدیگر ترغیب کرده است (یزدان‌پناه و کامران، ۱۳۹۴: ۳۴۰). همین مسئله باعث شده است که چین در منطقه شمال اقیانوس هند خود را در معرض تهدید فزاینده امریکا و هند مشاهده کند و تلاش نماید با گسترش همکاری با رقبای منطقه‌ای دیگر هند، نظیر پاکستان، از میزان تهدیدات علیه خود بکاهد و بر مزیت‌های ژئواکونومی خویش بیفزاید. طرح توسعه روابط چین و پاکستان با مرکزیت بندر گوادر یکی از راهبردهای چین برای کاهش وابستگی به منطقه شمال اقیانوس هند و برای خنثی‌سازی مداخله‌گری امریکا در رقابت میان چین و هند است (عیوضی، ۱۳۸۸: ۳۵۹). بخش مهمی از اهمیت ژئواکونومی در معادلات قدرت در منطقه جنوب آسیا به سبب آن است که روندهای جهانی در قرن بیست‌ویکم باعث تغییر رویکرد کشورهای مختلف از موضوعات امنیتی به سمت موضوعات اقتصادی شده است. به همین علت در هزاره جدید موضوعاتی نظیر تداوم رشد و توسعه اقتصادی، دسترسی به منابع حیاتی برای اقتصاد، تجارت جهانی، مبادلات بازرگانی، و دست‌یابی به بازارهای مصرف بخش مهمی از دکترین امنیت ملی کشورهای نظیر هند و چین را تشکیل می‌دهد. به بیان دیگر، از بیست سال پیش تا کنون گفتمان رقابت در جهان از ژئوپلیتیک به ژئواکونومی تغییر یافته و همین مسئله باعث اهمیت یافتن موضوع دسترسی به منابع خام و انرژی، که نقش بسزایی در اقتصاد دارند، شده است (مختاری هشی، ۱۳۹۷: ۷۹).

همراه‌نمودن بحث ژئواکونومی با تحلیل‌های امنیتی که در زیر سایه رویکردهای مکتب کپنهاگ قوام یافته‌اند نشان می‌دهد که در منطقه جنوب آسیا و در رقابت ژئوپلیتیک میان چین و هند مسئله بسیار مهمی به نام وابستگی متقابل اقتصادی وجود دارد که هم باعث پیچیده‌تر شدن ماهیت رقابت این دو کشور شده است هم زمینه را برای تغییر رویکرد این دو کشور از تأکید صرف بر موضوعات امنیتی به رویکردهای چندبعدی، که هم‌زمان اقتصاد، امنیت، و جغرافیا را مد

نظر قرار می‌دهند، فراهم کرده است. این امر مبین آن است که، با برقراری وابستگی متقابل میان کشورها، استفاده از نیروی نظامی اهمیت پیشین خود را از دست داده است. بنابراین، هر چقدر پیوندهای متقابل در زمینه‌های مختلف میان کشورها بیشتر و مستحکم‌تر است احتمال استفاده از زور و وقوع جنگ میان آن‌ها کمتر می‌شود (مشیرزاده و تیشه‌یار، ۱۳۹۰: ۱۶۶).

همچنان‌که اشاره شد، متخصصان پیرو مکتب کپنهاگ بر این باورند که در دوره کنونی امنیت مفهومی پویاتر از دوران گذشته دارد و این پویایی را مرهون پیچیده‌تر شدن روابط بین‌الملل و اهمیت یافتن موضوع اقتصاد در امنیت جهانی می‌دانند (قوام، ۱۳۹۲: ۳۵۶). همین مسئله اهمیت اقتصاد را در رویکردهای ژئوپلیتیک کشورهایمانند چین و هند افزایش داده است. این امر در مناطق ژئوپلیتیکی مانند جنوب آسیا باعث کاهش یافتن سطح تنش نظامی و هدایت رقابت از موضوعات نظامی و امنیتی به سمت موضوعات اقتصادی و تجاری شده و در نهایت باعث شده است که امنیت ماهیتی چندبعدی پیدا کند (قوام، ۱۳۹۲: ۳۶۴). رقابت برای کسب منافع اقتصادی در مناطق پیرامونی، تسلط بر شاهراه‌های ارتباط جهانی در جنوب آسیا، و کسب برتری ژئواکونومیکی باعث شده است که منطقه اقیانوس هند به یکی از کانون‌های اصلی رقابت ژئواکونومیک-ژئوپلیتیک میان این دو کشور مبدل شود و به این ترتیب کشورهای دیگر نیز از دامنه گسترش این رقابت‌ها متأثر شوند. چنان‌که می‌توان گفت در امنیت منطقه‌ای جنوب آسیا مسئله اقتصاد و تجارت جهانی اهمیت بسیار زیادی دارد. در این فرایند، توسعه قدرت اقتصادی و نظامی چین زمینه‌ساز همگرایی منافع ژئوپلیتیک امریکا و هند شده است؛ به‌گونه‌ای که آن‌ها تلاش می‌کنند با گسترش همکاری‌های چندجانبه امکاناتی متناسب با تهدید فزاینده نفوذ چین در منطقه جنوب آسیا به‌وجود آورند و مانع برتری یافتن چین در این منطقه ژئوپلیتیک شوند (کوهن، ۲۰۰۵: ۱۱). همین مسئله باعث شده است که چین از رویکردهای منطقه‌ای امریکا و هند احساس خطر کند و تمایل این کشور برای گسترش همکاری‌های سیاسی، اقتصادی، و امنیتی با سایر کشورهای واقع در جنوب آسیا و دیگر کشورهای پیرامونی افزایش یابد (مالک، ۲۰۰۶: ۴). به بیان دیگر، تعارض منافع راهبردی باعث تسریع چرخه رقابت در منطقه جنوب آسیا و تشدید مداخله‌گری امریکا در این منطقه شده است، اما در عین حال منافع مشترکی که میان دو کشور چین و هند وجود دارد همواره به‌مثابه عاملی مهم در مسیر کنترل تنش‌های ژئوپلیتیک نقش آفرینی می‌کند.

## نتیجه‌گیری

روندهای جاری در منطقه ژئوپلیتیک جنوب آسیا نشان می‌دهد دو کشور هند و چین، که پیوسته در مسیر افزایش قدرت اقتصادی، سیاسی، و نظامی‌اند، نه‌تنها به رقبای بالفعل یکدیگر تبدیل شده‌اند، بلکه باعث شده‌اند با ایجاد تغییر در روندهای جهانی، سایر بازیگران نیز به بازنگری در نقش خود در زمینه تحولات حاکم در منطقه جنوب آسیا پردازند. ایالات متحده، به‌عنوان قدرت هژمون، مهم‌ترین بازیگری است که در سال‌های اخیر تحت تأثیر رقابت ژئوپلیتیک میان چین و هند به بازنگری در نقش منطقه‌ای خود در جنوب آسیا پرداخته است. در رقابت ژئوپلیتیک چین و هند عوامل متعددی نظیر اختلاف‌های سرزمینی، قلمروخواهی، مسئله اقلیت‌های قومی و مذهبی، امنیت ملی و اقتصاد نقش آفرین‌اند. با وجود این، روندهای حاکم بر رقابت این دو کشور در سال‌های اخیر، که به صورت فزاینده‌ای از گسترش نقش اقتصاد در تحولات جهانی متأثر بوده است، نشان‌دهنده آن است که هر دو کشور در رویکردهای امنیتی و رقابت‌های ژئوپلیتیک وزن قابل توجهی را به مسئله اقتصاد داده‌اند. به‌طوری‌که در چند دهه اخیر، این دو کشور نه‌تنها از اقتصاد به‌عنوان ابزاری برای بهبود وضعیت داخلی کشور خود استفاده کرده‌اند، بلکه متأثر از تغییرات حاکم بر محیط سیاسی جهان پس از جنگ سرد، که باعث اهمیت یافتن نقش اقتصاد در امنیت شد، تلاش کرده‌اند از عامل اقتصاد به‌عنوان یک ابزار کاربردی مهم

در فرایند گسترش نفوذ خود در مناطق پیرامونی بهره جویند. سرمایه‌گذاری گسترده در کشورهای همسایه، تلاش برای کسب نفوذ از طریق عوامل اقتصادی، بهره‌جویی از مؤلفه‌های اقتصادی برای کسب برتری بر رقبای منطقه‌ای، و درنهایت بهبود جایگاه در اقتصاد و سیاست جهان باعث شده است که این دو کشور رقابت میان خود را از حوزه امنیت به آرامی به حوزه اقتصادی منتقل کنند. به عبارت دیگر، باید گفت رقابت ژئوپلیتیک در جنوب آسیا تحت تأثیر منافع اقتصادی کلان میان دو کشور هند و چین ماهیتی اقتصادی یافته است.

در این فرایند، ایالات متحده تحت تأثیر تغییر در ابزارهای رقابت میان هند و چین به بازنگری در رویکردهای ژئواکونومیک خود در منطقه جنوب آسیا پرداخته است که تأمین‌کننده منافع بلندمدت این کشور است. با توجه به اشتراک منافع میان هند و امریکا برای مهار نفوذ چین در مناطق پیرامونی، این کشورها در سال‌های اخیر می‌کوشند زمینه همکاری‌های متقابل را به گونه‌ای گسترش دهند که بتوانند در بلندمدت مانع اجرای طرح‌های توسعه اقتصادی و ارتباطی چین در کشورهای نظیر پاکستان، میانمار، و بنگلادش شوند که ممکن است به ایجاد برتری مطلق ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک چین منجر شود. به بیان دیگر، رویکرد مداخله‌گرایانه امریکا در قبال رقابت میان هند و چین مبتنی بر مدیریت ساختار و ماهیت رقابت میان چین و هند به گونه‌ای است که از تسلط کامل چین بر مناطق پیرامونی جنوب آسیا جلوگیری کند.

## منابع

۱. احمدی، سیدعباس؛ حافظ‌نیا، محمدرضا؛ بدیعی ازندهی، مرجان و حیدری موصولو، طهمورث، ۱۳۹۷، تبیین نظری بسترهای شکل‌گیری رقابت ژئوپلیتیک، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، دوره ۵۰، ش ۱، صص ۱۹۹-۲۱۶.
۲. احمدی‌پور، زهرا و رشیدی، یونس، ۱۳۹۷، تحلیل ژئوپلیتیک: بازنمایی فضاهای ترس در سینما، فصل‌نامه ژئوپلیتیک، س ۱۴، ش ۲، صص ۲۱-۵۵.
۳. احمدی‌پور، زهرا و رشیدی، یونس، ۱۳۹۹، تصویرسازی جغرافیایی و بازنمایی ژئوپلیتیک، تهران: دانشگاه تهران.
۴. برزگر، کیهان؛ رضائی، مسعود، ۱۳۹۶، آینده رقابت‌های راهبردی متداخل در اقیانوس هند، فصلنامه سیاست- مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۷، ش ۱، صص ۲۱-۱.
۵. برزگرزاده زرنندی، معین، ۱۳۹۴، تبیین کشمکش‌های سرزمینی در منطقه جنوب آسیا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۶. برژینسکی، زیبگینو، ۱۳۸۶، انتخاب: سلطه یا رهبری، تهران: نشر نی.
۷. برژینسکی، زیبگینو، ۱۳۹۱، نگاه استراتژیک ایالات متحده امریکا و بحران قدرت جهانی، تهران: نشر میزان.
۸. بوزان، باری و ویور، ال، ۱۳۸۳، مناطق و قدرت‌ها: ساختار امنیت بین‌المللی، ترجمه قدیر نصری، فصل‌نامه مطالعات راهبردی، ش ۲۴، صص ۳۴۳-۳۵۸.
۹. پیردشتی، حسن و کمری، مریم، ۱۳۹۵، مناقشات مرزهای دریایی در سواحل شمالی اقیانوس هند، همایش فراوری پتانسیل‌های ژئوپلیتیک توسعه در کرانه‌های اقیانوسی جنوب شرق کشور، تهران: انجمن ژئوپلیتیک ایران و وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران.
۱۰. حافظ‌نیا، محمدرضا، ۱۳۸۹، یک منطقه ژئوپلیتیک چگونه تحول می‌یابد؟، فصل‌نامه ژئوپلیتیک، ش ۱.
۱۱. حسین‌پور پویان، رضا؛ مجتهدزاده، پیروز؛ حافظ‌نیا، محمدرضا؛ عزتی، عزت‌اله؛ ۱۳۹۱، تبیین ژئوپلیتیک روابط قدرت در منطقه شبه‌قاره هند پس از وقایع ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م. فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، س ۸، ش ۳، صص ۱-۳۴.
۱۲. درایسدل، آلسدایر و بلیک، جرالداچ، ۱۳۷۰، جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال افریقا، ترجمه دره میرحیدر، چ ۲، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۱۳. دهشیار، حسین، ۱۳۹۱، سیاست خارجی امریکا در تئوری و عمل، تهران: نشر میزان.
۱۴. دهسیری، محمدرضا و همکاران، ۱۳۹۶، تأثیر امنیت منطقه‌ای بر رفتارشناختی مجموعه‌های امنیتی مناطق، فصل‌نامه سیاست جهانی، دوره ۶، ش ۱، صص ۴۳-۷۸.

۱۵. دهقان، یادلله و کاظمی، مهدی، ۱۳۹۰، بررسی روابط ایران و هند در سایه شهر همدان به عنوان یک قدرت منطقه‌ای، کتاب آبی، تهران: ابرار معاصر.
۱۶. ذکی، یاشار و کلفشان، عاطفه، ۱۳۹۴، جهان‌شهرها و نقشه‌های جدید ژئوپلیتیکی، فصل‌نامه علمی - پژوهشی اطلاعات جغرافیایی (سپهر)، دوره ۲۴، ش ۹۵، صص ۶۳-۸۰.
۱۷. رحیمی، حسن، ۱۳۹۵، بسترها و زمینه‌های منازعه و رقابت بین کشورهای منطقه ژئوپلیتیکی اقیانوس هند، مجموعه مقالات همایش فرآوری پتانسیل‌های ژئوپلیتیکی توسعه در کرانه‌های اقیانوسی جنوب شرق کشور، تهران: وزارت کشور.
۱۸. زارعی، بهادر و موسوی شهیدی، سیدمهدی، ۱۳۹۹، همکاری‌های ژئواکونومیکی و رقابت‌های ژئوپلیتیکی چین و آمریکا در منطقه آسیا-پاسفیک در قرن بیست‌ویکم، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۵۲، ش ۳، صص ۱۱۰۳-۱۱۳۰.
۱۹. سازمند، بهاره و ارغوانی پیروسلامی، فریبرز، ۱۳۹۱، چالش‌های ژئوپلیتیک منطقه‌ای و دکتین ظهور مسالمت‌آمیز چین، فصل‌نامه روابط خارجی، س ۴، ش ۲.
۲۰. سعادت، حسن؛ کریمی‌پور، یادلله؛ کاویانی‌راد، مراد و کارگر، احمد، ۱۳۹۸، تبیین نقش و کارکرد ژئوپلیتیک خلیج چابهار در تحولات اقیانوس هند با تأکید بر رقابت‌های میان هند و چین، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، دوره ۵۱، ش ۴، صص ۱۰۵۱-۱۰۷۱.
۲۱. سوواکول، بنجامین، ۱۳۹۱، مرجع امنیت انرژی، ترجمه علیرضا طیب، تهران: ابرار معاصر.
۲۲. عیوضی، محمدرحیم، ۱۳۸۸، جهانی‌شدن و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی، مجله اندیشه انقلاب اسلامی، ش ۲۶.
۲۳. قوام، سیدعبدالعلی، ۱۳۹۲، روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رویکردها، تهران: سمت.
۲۴. کریمی‌پور، یادلله، ۱۳۹۲، جزوه درسی بنیان‌های ژئوپلیتیک ایران، تهران: دانشگاه خوارزمی.
۲۵. کوهن، سوتل. بی، ۱۳۸۷، ژئوپلیتیک نظام جهانی، ترجمه عباس کاردان، تهران: ابرار معاصر.
۲۶. مجتهدزاده، پیروز، ۱۳۸۱، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: سمت.
۲۷. مجتهدزاده، پیروز، ۱۳۷۹، ایده‌های ژئوپلیتیک و واقعیت‌های ایران، تهران: نشر نی.
۲۸. مختاری هشی، حسین و نصرتی، حمیدرضا، ۱۳۸۹، امنیت انرژی و موقعیت ژئوانرژی ایران، فصل‌نامه ژئوپلیتیک، دوره ۶، ش ۱۸، صص ۹۵-۱۲۴.
۲۹. مختاری هشی، حسین، ۱۳۹۷، تبیین مفهوم ژئواکونومی (اقتصاد ژئوپلیتیکی) و توصیه‌هایی برای ایران، فصل‌نامه ژئوپلیتیک، دوره ۱۴، ش ۵۰، شماره پیاپی ۵۰، صص ۵۶-۸۲.
۳۰. مشیرزاده، حمیرا و تیشه‌یار، ماندانا، ۱۳۹۰، بررسی نظری رهیافت امنیت انرژی هند در آسیای مرکزی، فصل‌نامه روابط خارجی، س ۳، ش ۲، صص ۱۶۱-۱۸۴.
۳۱. یزدان‌پناه، کیومرث و کامران، حسن، ۱۳۹۴، هند و آینده ژئوپلیتیکی آن در آسیا با تأکید بر نقش ترسیمی ایران، فصل‌نامه جغرافیا، دوره جدید، س ۱۳، ش ۴۶، صص ۳۳۹-۳۵۳.
32. Bradnock, Bob and Williams, Glynn, 2014, *South Asia in a Globalising World*, London: Routledge.
33. Burchill, Scott, 2000, Realism and Neo-Liberalism, In: *Theories of International Relations*, New York: Palgrave MacMillan, Financial Daily, April 23.
34. Buzan, Barry, 1999, *People, States and Fear*, translate by Institute for Strategic Studies, Tehran, *Institute for Strategic Studies* [In Persian].
35. Chaudhury, Dipanjan, 2007, Boosting Maritime Capabilities in the India Ocean, *New Delhi*, August 23.
36. Cohen, Saul B., 1994, *Geopolitics in the New World Era*, Chapter 2 from recording the world, Edited by: George J. Demko and William B. Wood, USA: West View Press.
37. Cohen, Saul B., 2009, *Geopolitics: The Geography of International Relations*, New York and London: Rowman & Littlefield.
38. Cohen, Stephan, 2005, *The Us and South Asia in Access at: www.broking.edu/views/brookingsinstitute.*
39. Degong, Ma et al., 2020, An empirical nexus between exchange rate and China's outward foreign direct investment: Implications for Pakistan under the China Pakistan economic corridor project. *The Quarterly Review if Economics and Finance*. In Access at: <https://doi.org/10.1016/j.qref.2020.12.001>.

40. Fidelity, 2015, Stock Market Outlook; a sample outlook report by a brokerage house. In *Access* at: <https://www.fidelity.com>.
41. Flint, Colin, 2011, *Introduction to Geopolitics*, New York and London: Routledge.
42. <https://orientalreview.org/2020/10/19/gwadar-the-port-of-future>.
43. International Monetary Fund, 2020, <https://www.imf.org/en/Publications/WEO/weo-database/2020/October/weoreport?c=512,513,514,534,556,558,564,524,&s=NGDPD,&sy=2019&ey=2025&ssm=0&scsm=1&sc=0&ssd=1&ssc=0&sic=0&sort=country&ds=.&br=1>. Visited in: 09/08/2020.
44. Jaschock, Maria and Chan, H.M. Vicky, 2009, Education, gender and Islam in China: The place of religious education in challenging and sustaining 'undisputed traditions' among Chinese Muslim women, *International Journal of Educational Development*, 29(5): 487-494.
45. Jawli, Nandini, 2016, South China Sea and India's Geopolitical Interests, *Indian Journal of Asian Affairs*, Vol. 29, No. 1, PP. 85-101.
46. Kirchner, Emil and Sperling, James, 2018, *EU Security Governance*, Manchester: Hive.
47. Malik, Mohan, 2006, China's Strategy of Containing India. <http://www.pinr.com/reprot.phpzac=view-report&report-id=434>.
48. Nepal, R. and Paija, N., 2019, Energy security, electricity, population and economic growth: The case of a developing South Asian resource-rich economy, *Energy Policy*, 132, 771-781.
49. Rashidi, Yunes; Ahmadi Pour, Zahra; Alemi, Akbar and Bayat, Moloud, 2021, The Role of Geographical Imagination and Geopolitical Representation in Dividing Space/Place into "our" and "their", *Geopolitics Quarterly*, Vol. 16, No. 4, PP. 79-100.
50. Rothschild, Emma, 1995, What is Security? *Daedalus*, Vol. 124, No. 3, PP. 53-98.
51. Scholten, Daniel et al., 2020, The geopolitics of renewables: New board, new game. *Energy Policy*, 138. March 2020. In access at: <https://doi.org/10.1016/j.enpol.2019.111059>.
52. Scholvin, Soren and Wigell, Mikael, 2018, Power politics by economic means: Geo-economics as an analytical approach and foreign policy practice, *Comparative Strategy*, Vol. 37, PP. 73-84.
53. Sieminski, Adam et al., 2015, *21ST Century Energy Markets: How The Changing Dynamics Of World Energy Markets Impact Our Economy and Energy Securit*, Washington: Naval Postgraduate School, Center for Homeland Defense and Security.
54. Smith, Stive, 2006, *The Concept of Security in a Globalizing World*. London: Routledge.
55. Thompson, Walter, 1995, Principal Rivalries, *Journal of Conflict Resolution*, Vol. 39, No. 2, PP. 197-211.
56. Twining, Daniel, 2007, American 's Grand Design in Asia, *The Washington Quarterly*, Vol. 30, No. 3.
57. Ullman, Richard, 1983, Redefining Security, *International Security*, Vol. 8, No. 1, PP. 129-153.
58. Vasquez, John, A., 1993, *The War Puzzle*, Cambridge: Cambridge University Press.
59. Worldmetrics.info, 2020, Southern Asia Population. In *Access* at: <https://www.worldometers.info/world-population/southern-asia-population/>. Visited in 12/09/2020.
60. Yuan, M.; Zhang, H.; Wang, B.; Huang, L.; Fang, K. and Liang, Y., 2020, Downstream oil supply security in China: Policy implications from quantifying the impact of oil import disruption, *Energy Policy*, 136, 111077.